



ریل خدمتگزاری

رئیس جمهور در روزهای پایانی سال پس از راهاندازی پروژه‌های متعدد عمرانی، آموزشی و بهداشتی ۱۵ ایستگاه متروی تهران را افتتاح کرد

صفحه ۴

VATANEMROOZ.IR

روزنامه صبح ایران

وطن امروز

گزارش «وطن امروز» از شاخص‌های کلان اقتصادی سال ۱۴۰۱

جوانه‌های امید

مسیر رو به رشد صنایع، تحقق رشد اقتصادی، کاهش نرخ بیکاری رشد تجارت خارجی، رشد درآمدهای دولت و کنترل رشد نقدینگی

صفحه ۵

آغاز سال ۱۴۰۲ خورشیدی و فرارسیدن ماه مبارک رمضان رایه عموم ایرانیان شادباش می‌گویم

۱۸۴ سال و ۱۶۵ روز گذشت

یکشنبه ۲۸ اسفند ۱۴۰۱ | ۲۶ شعبان ۱۴۴۴ | ۱۹ مارس ۲۰۲۳ | سال پانزدهم | شماره ۳۷۲۸ | ۸ صفحه | ۳۰۰۰ تومان

سال ۱۴۰۱ در یک نگاه: تثبیت و ثمردهی قدرت منطقه‌ای ایران، نقش آفرینی برجسته در تغییر نظم جهانی و عربان شدن اخلاقی و سیاسی ضدانقلاب در افکار عمومی ایرانیان

جمهوری بی بدیل اسلامی



عکس: آسین عطایی / ایرنا

شد، خود گواهی بر بی‌بدیل بودن نظام جمهوری اسلامی بود. طبیعتاً تثبیت این گزاره به بی‌اعتباری ایده براندازی نیز منتهی شد. به بیان دیگر، جامعه به این ادراک رسید که در فردای پس از جمهوری اسلامی نمی‌تواند درباره حفظ تمامیت سرزمینی ایران نیز با قطعیت چیزی بگوید چه برسد به آنکه با چنین جریان ویرانی طلب مزدوری بتواند رستگاری و سعادت جمعی را تجربه کند. به همین خاطر هر قدر براندازی آشوب‌ها در حوادث اخیر دقیق بود و ایده براندازی نیز به موازات آن برجسته شد اما نتیجه معکوسی بر جامعه گذاشت.

ناظران عمومی شاهد آن بودند که سیل جمعیت مردم در ۲۲ بهمن و حضور ده‌ها میلیون ایرانی در کف خیابان‌های کشور چگونه پشتوانه عظیم مردمی و سرمایه اجتماعی جمهوری اسلامی ایران را نمایان ساخت. وقتی یک نظام سیاسی در سخت‌ترین روزهای خود از نظر مشکلات اقتصادی و به رغم ماه‌ها توطئه آفرینی دشمنانش توانایی به میدان آوردن چنین جمعیتی را دارد، حرف زدن از براندازی آن، چیزی بیش از گرافه‌گویی نیست. از سوی دیگر جامعه به این درک رسید که این گرافه حتی اگر بر فرض محال رنگ واقعیت به خود بگیرد چه شرایط بفرنجی را برای ایرانیان رقم خواهد زد.

ادامه در صفحه ۲

که اساسا نام و پیشینه چهره‌های مطرح‌شده، سوازی مواضع‌شان حکم رسوایی برای ضدانقلاب را داشت. فرزند شاه مخلوع که یک دیکتاتورزاده بی‌هنر است، در کنار یک روزنامه‌نگار بدنام که تا به حال صدها هزار دلار از دولت‌های بیگانه در قبال پروژه اصلی یعنی نفرت‌پرانی اجتماعی دریافت کرده است با جمعی متشکل از بازیگران سینما و یک فوتبالیست گواهی روشن بر این بود که وزن ضدانقلاب در دوپینگی‌ترین حالت نیز فراتر از چند دلقک نیست. این جمع هر قدر بیشتر به زبان آمد و از ایده‌آل‌هایش سخن گفت، بخش بیشتری از جامعه که همراه با آشوبگران بودند دچار سرخوردگی شدند. این سرخوردگی تا جایی پیش رفت که بسیاری از آنان را نیز به این نتیجه رساند که هیچ بدیلی برای جمهوری اسلامی وجود ندارد.

اپوزیسیون فاقد صلاحیتی که با تمام حمایت‌های خارجی چیزی جز چند دلقک بی‌سواد برای عرضه به جامعه ندارد، در خواب هم نمی‌تواند به عنوان یک آلترناتیو سیاسی در نظر گرفته شود. به همین خاطر حتی لایه‌هایی از جامعه ایران که بیشترین تضاد را نیز با نظام داشتند بعد از مدتی با میدان دار شدن این چهره‌ها از مسیر آشوب و براندازی فاصله گرفتند. با در نظر گرفتن مجموعه این تفصیلات آنچه در این ۶ ماه به عنوان جبهه متحد براندازان برجسته

احساس نکرد. تمام اینها در شرایطی بود که معضلات اقتصادی یک دهه اخیر ایران و انباشت مجموعه‌های از بحران‌ها در داخل کشور، ظرفیت و امکان بازیگری را برای ضدانقلاب افزایش داده بود. در چنین موقعیتی با شروع آشوب‌های خیابانی از آخرین روزهای شهریور سال جاری بسیاری از ناظران داخلی نیز نسبت به فرایگر شدن آشوب‌ها و حرکت کشور به سمت یک جنگ خیابانی قطعی ابراز نگرانی می‌کردند. چهره‌هایی که حتی نگاه انقلابی نیز داشتند نسبت به عواقب این اغتشاشات و سرانجام آن دچار یک خطای محاسباتی شدند و رای به فروپاشی سیاسی و اجتماعی ایران دادند.

برجسته‌سازی برخی براندازان و تجزیه‌طلبان در فضای رسانه‌ای ضدانقلاب و مانور دادن روی تجمعات خارج از کشور تا جایی پیش رفت که برخی از این عناصر پیشاپیش خود را رهبران انقلاب (!) «زن زندگی آزادی» خوانده و بر سر قدرت گرفتن در ایران پس از براندازی با همدیگر وارد نزاع شدند. با این حال شب آغاز سال نو میلادی و انتشار یک توئیت مشترک از سوی چند چهره مبتذل و بدنام اوج رسوایی ضدانقلاب در میان این هیاهوها به حساب می‌رفت. آنها در حالی با اجماع آفرینی سرپوش‌های اطلاعاتی بیگانه و انتشار متن مشترک به دنبال رونمایی از رهبران رسمی آشوب‌ها بودند

واقعت بست که دشمن در محقق کردن هیچ کدام از این اهداف موفق نشد. دولت‌های خارجی که با بها دادن به برخی چهره‌های ضدانقلاب باعث برجسته شدن آنان شده بودند حالا این نیروهای بدنام را به عنوان گزینه‌هایی بلاموضوع و دردسر آفرین به یکدیگر حواله می‌دهند. شبکه سعودی اینترنشنال که مهم‌ترین رسانه آشوبگران و تجزیه‌طلبان به حساب می‌آمد حالا با عیان شدن قدرت واقعی جمهوری اسلامی، توسط کارفرمایانش مجبور به اثاث‌کشی و خانه‌دوشی شده است. گروهک‌های ضدانقلاب هم که از پایان کار جمهوری اسلامی تا پیش از نوروز سخن می‌گفتند پس از نواخته شدن سیلی انقلابی مردم در ۲۲ بهمن کم‌کم دست‌ها را بالا برده‌اند و به دنبال مقصر برای شکست اوهاشان می‌گردند.

■ جمهوری اسلامی، گزینه‌ای که بدیل ندارد
اغراق نیست اگر آشوب‌های پاییز ۱۴۰۱ را حد اعلای قدرت آفرینی دشمنان خارجی برای وارد کردن ایران به بحران‌های سیاسی و اجتماعی بدانیم. در این حوادث هیچ امکاناتی را نمی‌شد تصور کرد که در دست ضدانقلاب وابسته به خارج قرار نگرفته باشد. کافی است به موج رسانه‌ای در سطح جهان، دعوت کردن نمادهای آشوب به مجالس رسمی، پشتیبانی مالی و میدانی از اغتشاشگران و... نگاهی بیندازیم تا متوجه شویم این بار جریان ویرانی طلب هیچ کمبودی

بین‌المللی نیز مواجه می‌شود. دشمنان با تحمیل یک «جنگ ترکیبی» پیچیده و چندوجهی این فرصت را پیدا می‌کنند تا اقتدار یک ملت را از آنها سلب کنند و در خوشبینانه‌ترین حالت با وارد کردن شان به یک دومینوی خشونت‌آمیز و کینه‌افزین مانع سامان یافتن شان شوند.

با چنین عینکی می‌توان مجموعه آنچه را بر ایرانیان گذشت حاصل یک «جنگ ترکیبی» به حساب آورد؛ جنگی که در فضای رسانه‌ای با تولید یک زبان و ادراک مخرب، در خیابان با میدان دادن به مشت‌های تروریست و آشوبگر، در خارج از کشور با تریبون دادن به بدنام‌ترین گروهک‌ها و عادی‌سازی ایده تجزیه سرزمینی و نهایتاً در سطح بین‌المللی با فشارهای دولت‌های خارجی و سازمان‌های بین‌المللی برای وادار کردن ایران به عقب‌نشینی پیگیری می‌شد. با این توصیفات می‌توان «تامن‌سازی ایران»، «تضعیف قدرت و حوزه نفوذ جمهوری اسلامی»، «وارد کردن ایران به یک دومینوی پایان‌ناپذیر از خشونت» و نهایتاً «وادار کردن دولت به اعطای امتیازات حداکثری به نظام سلطه» را اهم برنامه‌های دشمنان در پیگیری این «جنگ ترکیبی» دانست. با این حال آنچه در میدان عمل اتفاق افتاد تبدیل به شکستی مطلق برای دشمنان شد. در این میان به رغم تلخی بسیاری از حوادث نمی‌توان چشم بر این

گروه سیاسی؛ آخرین برگ‌های دفتر تاریخ ایران زمین در سال ۱۴۰۱ نیز با سرعت در حال ورق خوردن است. سالی پر حادثه که بار دیگر سبب بودن درخت انقلاب اسلامی را در زمین ایران به رخ جهانیان کشاند. بازخوانی تمام حوادثی که در این یک سال بر ایران و ایرانیان گذشت مجال می‌مضاعف می‌طلبد. با این حال نگاهی به نتایج حوادث سیاسی این یک سال ما را در شناخت بهتر موقعیت کنونی ایران و ترسیم چشم‌اندازی برای بهبود شرایط در سال‌های آتی یاری کند.

به گزارش «وطن امروز»، نیمه سال ۱۴۰۱ هم‌زمان با مرگ مهسا امینی کشورمان با یکی از پیچیده‌ترین آشوب‌های خیابانی و عملیات‌های روانی و میدانی معاصر مواجه شد؛ مجموعه حوادث و عملیات‌هایی که رهبر حکیم انقلاب اسلامی از آن با عنوان «جنگ ترکیبی» یاد کردند؛ جنگی که دشمنان هم‌زمان با هدف قرار دادن ادراک جمعی ایرانیان و تشویق آنها به آشوب خیابانی، مجموعه اقداماتی را نیز برای هدف قرار دادن امنیت عمومی جامعه پی می‌گرفتند. همپوشانی بحران اجتماعی - سیاسی - امنیتی، می‌تواند به اختلال در قدرت تنظیم‌گری نظام سیاسی منتهی شود، در چنین فضایی در حالی که جامعه به سمت فروپاشی سیاسی و امنیتی حرکت می‌کند با فشارهای خارجی و